
تقریرهای رقیب دربارهٔ مدرنیتهٔ ایرانی
اعتراض و وفاداری

مختار نوری

www.ketab.ir



قصیده سرا



تقریرهای رقیب دربارهٔ مدرنیتهٔ ایرانی اعتراض و وفاداری

مؤلف: مختار نوری

ویراستار: مهرانگیز اشراقی

طراح جلد: آروین رفیع‌زاده

آماده‌سازی قبل از چاپ: آرمیتا رفیع‌زاده

چاپ اول: ۱۴۰۰ چاپ و صحافی: قشقایی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۴۷-۱

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: میدان انقلاب، شهرداری و انتشارات، بین ۱۲ فروردین و منیری جاوید، بن‌بست مرکزی پ ۱ واحد ۵

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

سرشناسه	نوری، مختار، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	تقریرهای رقیب دربارهٔ مدرنیتهٔ ایرانی / اعتراض، وفاداری / مختار نوری؛ ویراستار مهرانگیز اشراقی.
مشخصات نشر	تهران: قصیده سرا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۴۱۹ ص.
شابک	978-964-8618-47-1: ۹۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۸۵] - ۴۰۷.
یادداشت	نمایه.
موضوع	تجدد -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Modernity -- Iran -- History -- 20th century *
موضوع	روشنفکران -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Intellectuals -- Iran -- History -- 20th century
رده‌بندی کنگره	DSR۱۵۹۱
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۰۸۴۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۰۰۸۳۸

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار و قدردانی
۱۹.....	سر آغاز بحث
۴۶.....	روش تحلیل: هرمنوتیک متن محور و جامعه‌شناسی تاریخی
۵۱.....	ساختار و برنامه کتاب
۵۵.....	بخش اول: چهارچوب نظری و عملی فهم مدرنیته
۶۱.....	۱. تقریرهای رقیب درباره مدرنیته غربی
۶۱.....	مقدمه
۶۴.....	تعریف مدرنیته و سوابق مفهومی آن
۷۰.....	مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون
۷۴.....	تمهیدات نظری بحث: روایت‌های غربی از مدرنیته
۷۷.....	روایت مارتین هایدگر
۸۵.....	روایت کارل پوپر
۹۴.....	روایت چارلز تیلور

۲. سیر تحول تاریخی تجربه مدرنیته‌خواهی و توسعه‌خواهی در ایران معاصر ۱۰۵

مقدمه	۱۰۵
جامعه‌شناسی تاریخی تجدد و توسعه در ایران معاصر	۱۰۹
عصر قاجار و آغاز جرقه‌های تجدد و توسعه	۱۱۰
پهلوی اول: شبه‌مدرنیسم و توسعه	۱۱۷
تحولات سیاسی و نظامی	۱۲۰
تحولات حقوقی و آموزشی	۱۲۲
تحولات اقتصادی و صنعتی	۱۲۳
تحولات فرهنگی - اجتماعی	۱۲۵
پهلوی دوم: برنامه‌ریزی دولتی و توسعه مدرنیستی	۱۲۷
بحران دموکراسی و توسعه	۱۲۹
کودتا، توسعه از بالا و ظهور گفتمان غرب‌زدگی	۱۳۱
توسعه نامتوازن و ظهور گفتمان انقلاب اسلامی	۱۴۱
جمهوری اسلامی و تحولات توسعه‌خواهانه و مدرنیستی	۱۴۶

بخش دوم: روشنفکری ایرانی و اعتراض به مدرنیته ۱۵۵

۱. سیداحمد فردید ۱۶۳

مقدمه	۱۶۳
شرح حال	۱۶۸
فردید و مدرنیته غربی	۱۷۱
فردید و مدرنیته‌خواهی و توسعه‌خواهی معاصر ایرانیان	۱۷۷
فردید و هایدگری کردن فضای روشنفکری ایرانی	۱۸۳
فردید و اعتراض به مدرنیته	۱۹۰

۲. سیدحسین نصر ۱۹۷

شرح حال	۲۰۰
نصر و جدال قدیم و جدید	۲۰۴
نصر و مدرنیته	۲۱۰

۲۱۷	 سنت‌گرایی نصر
۲۲۵	 نصر و اعتراض به مدرنیته
۲۳۳	 ۳. رضا داوری اردکانی
۲۳۳	 مقدمه
۲۳۸	 شرح حال
۲۴۲	 داوری و مدرنیته غربی
۲۴۸	 داوری و مدرنیته‌خواهی و توسعه‌خواهی معاصر ایرانیان
۲۵۴	 داوری و اعتراض به مدرنیته
۲۶۵	 بخش سوم: روشنفکری ایرانی و وفاداری به مدرنیته
۲۷۳	 ۱. داریوش شایگان
۲۷۳	 مقدمه
۲۷۷	 شرح حال
۲۸۱	 مدرنیته در منظومه فکری شایگان
۲۸۷	 تعطیلات تاریخی و معارضه‌جویی معاصر
۲۹۰	 بازاندیشی فکری شایگان
۲۹۸	 شایگان و وفاداری به مدرنیته
۳۰۵	 ۲. عبدالکریم سروش
۳۰۵	 مقدمه
۳۰۹	 شرح حال
۳۱۳	 سروش: از ستیز با مارکسیسم تا قبض و بسط تئوریک شریعت
۳۲۰	 چیستی مدرنیته و ابعاد آن در اندیشه سروش
۳۲۶	 سروش و چالش مدرنیته در ایران معاصر
۳۳۲	 طرفداری و وفاداری سروش نسبت به مدرنیته
۳۴۱	 ۳. فرهنگ رجایی
۳۴۱	 مقدمه

پیشگفتار و قدردانی

اثر حاضر با عنوان *تقریرهای رقیب درباره مدرنیته ایرانی: اعتراض و وفاداری*، کنکاشی فکری پیرامون دیدگاه برخی از مهم‌ترین روشنفکران ایرانی از حدود دهه ۱۳۴۰ خورشیدی تا دوران پساانقلابی نسبت به مدرنیته غربی و تجلیات آن در جامعه ایرانی است. در طول تاریخ تحولات ایران، روشنفکران بیش از دیگر صنف‌ها و گروه‌های اجتماعی نسبت به مدرنیته غربی و امکان یا امتناع گسترش آن در جامعه ایرانی واکنش نشان داده‌اند. این اثر طبق برخی معیارها بر دیدگاه‌های سیداحمد فردید، سیدحسین نصر، رضا داوری اردکانی، داریوش شایگان، عبدالکریم سروش و فرهنگ رجایی تمرکز دارد. نویسنده واکنش‌های این طیف از روشنفکران را ذیل دو روایت «اعتراض» و «وفاداری» به مدرنیته تجزیه و تحلیل کرده است؛^۱ با این باور

۱. لازم به ذکر است که نویسنده در اثر تألیفی دیگری، با عنوان *سه تقریر رقیب درباره مدرنیته: خروج، اعتراض، وفاداری*، به بررسی دیدگاه‌های شش متفکر برجسته دنیای معاصر غرب، یعنی میشل فوکو و ژان فرانسوا لیوتار (خروج از مدرنیته)، لئو اشتراوس و السدیر مک‌اینتایر (اعتراض به مدرنیته)، یورگن هابرماس و جان راولز (وفاداری به مدرنیته)، نسبت به مدرنیته و صورت‌بندی فلسفی، سیاسی و اخلاقی آن پرداخته است. جرقة اصلی نگارش اثر حاضر در نتیجه مباحث مطروحه در آن اثر پدید آمد. در پژوهش مذکور و در پرتو اهمیت مدرنیته برای جوامع غیرغربی،

که جدال اصلی جامعهٔ امروز ایران همچنان جدال «سنت و مدرنیته» است و تأمل در بحران‌های موجود در حوزه‌های دوگانهٔ «سیاست داخلی» و «سیاست خارجی» در جامعهٔ سیاسی ایران نشانگر چنین وضعیتی است. در این شرایط ضرورت تلاش روشنفکران و اهل اندیشه برای حل و فصل منطقی و معقول چنین جدالی پررنگ‌تر می‌شود. از نظر نویسنده تعارض میان مدرنیته و پُست‌مدرنیسم برای ما ایرانیان، به عنوان جامعه‌ای در حال گذار، مسئله‌ای فرعی و کم اهمیت به شمار می‌آید. همان‌طور که می‌دانیم، برخی از روشنفکران معاصر ایرانی منتقدان رادیکال مدرنیتهٔ غربی‌اند و از آن عبور کرده یا حداقل در مقام نظر چنین ادعایی دارند. آنها از اندیشه‌های «پسا» و به‌خصوص اندیشهٔ پسا‌مدرن بسیار تأثیر پذیرفته‌اند و در نقد مدرنیته از برنامه‌های پژوهشی و دستورکارهای فکری متفکرانی مانند دریدا، فوکو، لیوتار، بودریار، بدیو، رانسیر و... بهره جسته‌اند. طرفداران این گرایش با ترجمه و تألیف و نشر چنین آثاری تلاش دارند تفکر پُست‌مدرن را در فضای فرهنگی و روشنفکری جامعه ایرانی گسترش دهند. علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند این طیف از روشنفکران در معرفی آثار و ادبیات این حوزه به جامعهٔ روشنفکری، به نظر می‌رسد اندیشهٔ پُست‌مدرن بیش از آنکه

مانند ایران، که در طول بیش از یک قرن اخیر از هجوم سیل‌آسای آن در امان نبوده است، نویسنده همواره این پرسش را در ذهن داشت: اکنون که شرحی از مدرنیته و گلمندان و مخالفان آن در ساحت فلسفهٔ معاصر غربی ارائه شده است، روشنفکران ایرانی چه نوع واکنش‌هایی نسبت به مدرنیتهٔ غربی داشته‌اند و در طول دهه‌های اخیر این واکنش‌ها چه سمت‌وسوهای به خود گرفته است؟ برای درک چنین موضوعی، در مؤخرهٔ کتاب مذکور سعی شد هم‌زمانی و ناهم‌زمانی روشنفکران ایرانی با متفکران انتقادی معاصر غرب شناسایی و مطرح شود. حاصل آن پژوهش به این بحث ختم شد که می‌توان حول مواجههٔ روشنفکران معاصر ایرانی با مدرنیتهٔ غربی نیز از سه روایت خروج، اعتراض و وفاداری صحبت به میان آورد و روشنفکران ایرانی را در این روایت‌ها دسته‌بندی کرد. با این اوصاف، در اثر حاضر به طور آگاهانه‌ای بر دو روایت اعتراض و وفاداری نسبت به مدرنیته تمرکز شده و از پرداختن به روایت «خروج» از مدرنیته و توجه به «وضعیت پُست‌مدرن» که از جانب برخی از روشنفکران امروزی دنبال شده خودداری شده است.

مسئله محوری جامعه ایرانی باشد، صورت‌بندی جوامع معاصر غربی و سیاستی در دوره سرمایه‌داری متأخر است و دامن زدن به این نوع مباحث ما را از آگاهی نسبت به مسئله اصلی، یعنی «جدال سنت و مدرنیته»، و تلاش برای گسترش مدرنیته در جامعه ایرانی که امروزه بیش از هر دوره‌ای بدان احساس نیاز می‌شود، باز می‌دارد.

داریوش آشوری، روشنفکر و زبان‌شناس معاصر، در نقد گسترش تفکر پُست‌مدرن در ایران می‌گوید: «نمی‌توانیم با بحث پُست‌مدرنیته مسئله خودمان را بفهمیم، چرا که پُست‌مدرنیته را نمی‌توانیم مطرح کنیم، مگر اینکه مدرنیته را بشناسیم. ما مدرنیته را هنوز نمی‌شناسیم و نمی‌توانیم هر دو را هم‌زمان بشناسیم؛ یعنی هم بخواهیم دستاوردهای مدرنیته را بشناسیم و به اجرا بگذاریم و هم هم‌زمان آن را نقد کنیم. ما هنوز به اینجا نرسیده‌ایم و نمی‌توانیم بدون دستیابی به دستاوردهای مدرنیته از روی آن جهش کرد.» (آشوری، ۱۳۷۵: ۲۹۹) رامین جهانگلویی در نقد رویکرد پسامدرنیسم ایرانی می‌نویسد: «لغزش روشنفکران ایرانی به پسامدرنیسم را نباید به عنوان پیشرفت در اندیشه مدرن قلمداد کرد. شرایط پسامدرن را باید به عنوان پیامد فروپاشی عقلانیت انتقادی در میان اکثریت روشنفکران ایرانی دانست.» (جهانگلویی، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۲). در دیدگاه جهانگلویی ما نمی‌توانیم از روی دره‌ای که دره مدرنیته نام دارد، پرش کرده و وارد عصر پُست‌مدرن شویم؛ زیرا احتمال سقوط به قعر دره وجود دارد. در چنین شرایطی، نویسنده این سطور نیز معتقد است که ایجاد میان‌بُری از یک جامعه سنتی و مدرن نشده، مانند جامعه ایران، به سمت پُست‌مدرنیسم بیشتر نوعی «توهم شناختی» است. به تعبیر دیگر، استفاده از مفهوم یا «وضعیت پُست‌مدرن» در متن کنونی جامعه ایران معنای چندانی ندارد. زیرا ویژگی اصلی اندیشه پُست‌مدرن در قرائت بسیاری از متفکران آن، نوعی خصم شدید علیه عقلانیت، سوژه‌گی، کارگزاری و فاعل‌شناسی مدرن است؛ خصمی که

جامعه امروز ما به آن نیاز چندانی ندارد. بر عکس، جامعه امروز ما بیش از هر زمانی نیازمند عقلانیت، سوژه‌گی و کنشگری آگاهانه کارگزاران انسانی در مقابل ساختارهای سلطه و قدرت است.

به هر ترتیب، اهمیت مدرنیته به مثابه الگویی همچنان مطلوب، و مدرن‌سازی ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهت حل و فصل معضلات امروز جامعه ایران در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، نویسنده را وادار ساخته تا صرفاً به دو روایت اعتراضی و وفادارانه پیرامون جدال سنت و مدرنیته پردازد. برای بررسی چنین دیدگاه‌های متعارضی بر جنبه‌های «روش‌شناختی» و «معرفت‌شناختی» موضوع، به طور هم‌زمان، تأکید شده است. از حیث روش‌شناسی بر رویکردهایی مانند «هرمنوتیک متن‌محور» در روایت پل ریکور و «جامعه‌شناسی تاریخی» در روایت متفکرانی مانند تدا اسکچپال، دنیس اسمیت و... تمرکز شده است. از حیث معرفت‌شناسی نیز سه دیدگاه فلسفی معاصر، از مارتین هایدگر، کارل پوپر و چارلز تیلور که به ترتیب و طبق تعاریف رایج به مکاتبی مانند پدیدارشناسی، لیبرالیسم و جماعت‌گرایی / اجتماع‌گرایی تعلق دارند، به عنوان چهارچوب نظری بحث به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد ترکیب چنین رهیافت‌ها و اندیشه‌هایی از موضوعات بدیع اثر حاضر است. نویسنده تلاش کرده تا حد امکان اثری روشمند در این حوزه تولید کند و مطالب تازه‌ای به ادبیات این حوزه بااهمیت بیفزاید. پرداختن به اندیشه چارلز تیلور، فیلسوف اجتماع‌گرای معاصر، برای فهم فضای فکری روشنفکران معاصر ایرانی، گامی در جهت عبور از دوگانه هایدگر-پوپر رایج در جامعه روشنفکری ایران است که در این اثر برای نخستین بار مطرح شده است. به نظر می‌رسد کاربست اندیشه تیلور، در کسوت متفکری کاتولیک، متعهد به اصول دینی و البته تجددخواه در عین توجه به پلشتی‌های آن، برای مطالعه روشنفکری معاصر بصیرت‌های جدیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد. به هر صورت، با

ابتنای بر چنین مباحث و رویکردهایی نویسنده به بررسی دیدگاه‌های روشنفکران ایرانی مذکور در مواجهه با مدرنیته غربی و ابعاد مختلف آن پرداخته است.

یافته‌های این بررسی نشانگر آن است که نگرش روشنفکران موردنظر را می‌توان در قالب دو روایت اعتراضی و وفادارانه نسبت به مدرنیته و تجلیات آن در جامعه ایران دسته‌بندی کرد. روایت اعتراضی به مدرنیته که از طرف روشنفکرانی مانند فردید، نصر و داوری‌اردکانی ظهور و بروز یافته است، منجر به ایجاد موانع فکری و سد راه فرایند مدرن‌سازی در جامعه ایرانی شده است. در مقابل روایت وفادارانه روشنفکرانی چون شایگان، سروش و رجایی، بی‌آنکه در چاه ویل غرب‌زدگی بیفتند، زمینه‌های گسترش مدرنیته ایرانی را فراهم ساخته است. به سخن دیگر، اگر روشنفکران معترض با نگاه انتقادی و رادیکال خود نسبت به دنیای مدرن مانع از شکل‌گیری پویایی‌های سیاسی و اجتماعی در سطح جامعه و سبب تقویت و گسترش حکومت محافظه‌کار و اقتدارگرا شده‌اند، روشنفکران وفادار با اخذ رویکردی انتقادی نسبت به مدرنیته غربی ضمن توجه به اهمیت تحولات و پویایی‌های سیاسی و اجتماعی، سعی در گسترش دموکراسی و فرایندهای دموکراتیک در جامعه ایرانی دارند. به‌طور کلی، این اثر موضوع خطیر و نام‌آشنایی چون مدرنیته و اهمیت و ضرورت پرداختن به آن را در اندیشه معاصر ایران به بحث و بررسی گذاشته است. به زعم نویسنده، اگرچه بیش از یک قرن از طرح مسئله سنت و مدرنیته در ایران می‌گذرد، اما به جهت سیطره روندهای ناکارآمد و فرسوده در ایران امروز هنوز می‌توان به طرح و پردازش این نوع موضوعات و تولید آثار و ادبیات جدید در حوزه مدرنیته ایرانی اقدام ورزید. پرداختن به چنین مباحثی باعث خواهد شد تا از یک‌سو با طرح دیدگاه‌ها و مباحث جدید بتوان به تعمیق و گسترش مدرنیته و مدرن‌سازی در جامعه ایران پرداخت و از سوی دیگر، به شناخت موانع و محدودیت‌ها در این

حوزه همت گماشت. امیدواری نویسنده این است که اثر حاضر اولاً سهم ناچیزی در بازنویسی تاریخ تفکر مدرنیتهٔ ایرانی و ثانیاً در حل و فصل بحران‌های موجود در جامعه امروز داشته باشد.

نهایتاً اینکه، در این اثر از راهنمایی و هدایت اساتید و دوستان گرانقدری بهره گرفته‌ام که در اینجا خوش دارم در نهایت ادب و فروتنی از آنها با ذکر نام قدردانی کنم. دکتر فرهنگ رجایی، استاد محترم علم سیاست در دانشگاه کارلتون کانادا به مانند همیشه سخاوتمندانه در این اثر نیز بنده را راهنمایی کردند و ضمن طرح برخی موضوعات پیرامون مباحث مطرح شده، مطالب مرتبط با اندیشهٔ خود را مطالعه و با ذکر برخی نکات بر غنای بحث افزودند؛ از این بابت همواره قدردان محبت‌هایشان هستم. دکتر سیدعلی محمودی، استاد بااخلاق دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه که خوشبختی بر جسته در حوزهٔ روشنفکری معاصر ایرانی دارند، بر نویسنده منت گذاشتند و پس از مطالعهٔ مطالب، با ذکر برخی نکات مایهٔ تقویت مباحث مطروحه شدند؛ از ایشان نیز بسیار سپاسگزارم. همچنین دوست عزیز و فرهیخته، دکتر بهنام جوادی که خود از اهالی اندیشه است، مطالب را بررسی و نکات مفیدی گوشزد کردند که از ایشان به خاطر چنین زحماتی تشکر می‌کنم. زحمات متولیان فرهیختهٔ انتشارات قصیده‌سرا، سرکار خانم شعله راجی، آقای لطیف رفیع‌زاده و سرکار خانم مهرانگیز اشراقی در ویرایش، آماده‌سازی و انتشار این اثر را نیز ارج می‌نهم. بدیهی است که راهنمایی‌های اساتید و دوستان یاد شده صرفاً در راستای استحکام و تقویت هر چه بیشتر مطالب بوده است و مسئولیت خطاهای صوری و محتوایی موجود در این اثر بر عهدهٔ نویسنده است. در پایان، به‌عنوان محقق جوان با ابتدای بر این مثال که «آرزو بر جوانان عیب نیست»، آرزومندم در پرتو عقلانیت، معرفت و اخلاق و البته تلاش‌های جان‌فرسای مبارزان جامعهٔ مدنی، جامعه‌ای پیشرفته و مدرن از خلاق

تحولات سال‌ها و قرون در ایران امروز شکل بگیرد، تا از طریق آن «کرامت انسان ایرانی» در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پاس داشته شود. به زبان شاعر بزرگ احمد شاملو: «من آن روز را انتظار می‌کشم، حتی روزی که دیگر نباشم.»

مختار نوری

کرمانشاه (دیار خوش‌نیشان)

بهار ۱۴۰۰

nouri.mokhtar63@gmail.com